

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرس طباطبائی نردی، دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۲-۹۱

جلسه ۴۶ - دوشنبه ۹۱/۱۰/۱۱

تقریری دیگر در اثبات تخییر استمراری

برخی دیگر از اعلام نیز معتقدند علم اجمالی دوم و سوم بی تأثیر است اما تقریر دیگری در این زمینه دارند.

بیان شده است که علم اجمالی دوم چنین است که یا سه‌شنبه سفر واجب است یا سفر در جمعه حرام است. فرموده‌اند این علم اجمالی مانند هر علم اجمالی دیگری تأثیر خود را دارد؛ یعنی موافقت قطعی آن واجب و مخالفت قطعی آن حرام است و لذا اگر مکلف سه‌شنبه سفر کند و جمعه ترک سفر کند موافقت قطعی رخ داده است، اما فرض آن است که علم اجمالی سوم که عکس علم اجمالی دوم است نیز وجود دارد؛ یعنی یا سه‌شنبه سفر حرام است و یا جمعه سفر واجب است و این علم اجمالی نیز به تنهایی قابلیت موافقت و مخالفت قطعی دارد. از آنجا که موافقت قطعی علم اجمالی دوم ملازم با مخالفت قطعی علم اجمالی سوم است و کذا العکس، لذا علم اجمالی دوم و سوم نمی‌توانند کارایی داشته باشند؛ به دلیل آنکه در علم اجمالی دوم سفر در سه‌شنبه واجب یا در جمعه حرام است و در علم اجمالی سوم سفر در سه‌شنبه حرام یا در جمعه واجب است، با این شرایط اگر مکلف بخواهد با علم اجمالی دوم موافقت قطعی کند و سه‌شنبه سفر رود و جمعه ترک سفر کند قطعاً با علم اجمالی سوم مخالفت کرده است، در نتیجه مکلف نمی‌تواند هر دو علم اجمالی را امتثال کند؛ زیرا امتثال قطعی هریک از علم‌های اجمالی، ملازم مخالفت قطعی علم اجمالی دیگر است. بدین جهت باید گفت: علم اجمالی دوم و سوم فاقد اثر است.

البته این بیان با کلام محقق اصفهانی متفاوت است؛ زیرا در این بیان، اعلام معتقدند هر یک از این

علم‌های اجمالی به تنهایی می‌توانند کار خود را انجام دهند و تنجیزآور خواهند بود، ولی از آنجا که هریک مانع دیگری است لامحاله نمی‌توانند دارای اثر باشند لذا کنار نهاده می‌شوند، در نتیجه مکلف در این مسئله دارای تخییر استمراری خواهد بود.

ما نیز در نهایت این سخن را می‌پذیریم؛ زیرا موافقت قطعیه ممکن نیست؛ به دلیل آنکه موافقت قطعیه‌ی هر طرف ملازم با مخالفت قطعیه‌ی دیگری است. بنابراین در نظر عقل، این علم اجمالی کالعدم است؛ زیرا مبتلای به مانع است.

دو بیان در اثبات تخییر بدوی

علی‌رغم این بیان بعضی قائل به تخییر بدوی شده‌اند؛ به این معنا که اگر مکلف روز سه‌شنبه یک طرف را انتخاب کند باید روز جمعه نیز همان طرف را امتثال کند، در نتیجه هم نسبت به علم اجمالی دوم موافقت احتمالیه کرده است و هم نسبت به علم اجمالی سوم موافقت احتمالیه انجام داده است و نه مخالفت قطعیه محقق شده است و نه موافقت قطعیه.

بیان اول

این بیان مقتبس از فرمایش شیخ انصاری رحمته‌الله در علم اجمالی است. شیخ در علم اجمالی قائل است که علم اجمالی از حیث حرمت مخالفت قطعیه، علت تامه است ولی از حیث وجوب موافقت قطعیه مقتضی است؛ یعنی هیچ اصل مرخصی نمی‌تواند مکلف را آزاد گرداند به گونه‌ای که مخالفت قطعیه با علم اجمالی کند و بتواند هردو طرف شبهه را مرتکب شود، ولی می‌توان با جریان اصل، لزوم موافقت قطعیه را رفع کرد و جواز ارتکاب یک طرف را به دست آورد.

برخی با استفاده از این مبنا قائلند که حرمت مخالفت قطعیه در رابطه با علم اجمالی قابل رفع نیست و علم اجمالی نسبت به حرمت مخالفت قطعیه تنجیزی است. به تعبیر دیگر حرمت مخالفت قطعیه در مورد علم اجمالی، معلق بر چیزی نیست اما وجوب موافقت قطعیه معلق بر عدم جریان اصل و عدم مانع است. بنابراین اگر امر در موردی دائر بین حرمت مخالفت قطعیه و وجوب موافقت قطعیه باشد، نمی‌توان گفت هریک دیگری را خشی می‌کند؛ زیرا حرمت مخالفت قطعیه تنجیزی است ولی وجوب موافقت قطعیه تعلیقی است و یک امر تعلیقی نمی‌تواند مانع امر تنجیزی باشد؛ به دلیل آنکه امر تنجیزی بیان می‌کند که وجود دارد و ثابت است اما امر تعلیقی بیان می‌کند اگر مانع نباشد وجود دارد، لذا این دو با هم تنافی و تقابل نخواهند داشت.

با دانستن این نکته می‌توان گفت تقریر بعضی‌اوقات در تخییر استمراری صحیح نیست؛ زیرا وجوب موافقت قطعی با حرمت مخالفت قطعی هیچ‌گاه مبارزه نخواهد کرد، در نتیجه حرمت مخالفت قطعی مقدم است؛ یعنی مکلف باید کاری کند که نه در علم اجمالی دوم و نه علم اجمالی سوم گرفتار مخالفت قطعی نشود، حتی اگر این مخالفت قطعی همراه موافقت قطعی باشد؛ به دلیل آنکه مخالفت قطعی مقدم بر موافقت قطعی است و نتیجه‌ی این بیان تخییر بدوی برای مکلف است. بنابراین اگر مکلف هم در سه‌شنبه و هم در جمعه به سفر رود مخالفت قطعی نسبت به هیچ‌یک از دو علم اجمالی نکرده است ولی اگر مثلاً سه‌شنبه به سفر رود و جمعه ترک سفر کند، نسبت به یکی از دو علم اجمالی موافقت قطعی و نسبت به دیگری مخالفت قطعی انجام داده است که چنین امری جایز نخواهد بود.

بنابراین هنگام دوران امر بین موافقت قطعی و مخالفت قطعی، اجتناب از مخالفت قطعی مقدم است.

نقد و بررسی بیان اول در اثبات تخییر بدوی

اولاً: مناقشه‌ای در اصل این مبنا وجود دارد؛ به این معنا که تفکیک بین حرمت مخالفت قطعی و وجوب موافقت قطعی به این صورت که علم اجمالی علت تامه برای حرمت مخالفت قطعی و مقتضی نسبت به وجوب موافقت قطعی باشد را نمی‌پذیریم.

ثانیاً: اینکه علم اجمالی نسبت به وجوب موافقت قطعی مقتضی است به این معنا که اگر به مانع برخورد کند کارایی ندارد و منجز نخواهد بود، مراد از مانع، جریان اصول مؤمنه است نه چیز دیگر؛ یعنی اصالة البرائة و اصالة الحلیة و ... اما چیزی خارج از این اصول مؤمنه حتی علم اجمالی دیگر، نمی‌تواند مانع باشد؛ زیرا ما هر یک از دو علم اجمالی را بالذات و مستقلاً باید به حساب آوریم، در نتیجه وقتی اصل مؤمن در دو طرف جاری نباشد همان‌گونه که در مانحن فیه جاری نیست (طبق فرض) لامحاله علم اجمالی علت تامه‌ی وجوب موافقت قطعی خواهد بود؛ زیرا مانعی در آن نیست، کما اینکه علم اجمالی علت تامه‌ی حرمت مخالفت قطعی است، در نتیجه این دو علم اجمالی با یکدیگر تقابل خواهند داشت.

به تعبیر دیگر علم اجمالی در هنگام عدم مانع حتی بنا بر مبنای شیخ، نسبت به وجوب موافقت قطعی علت تامه می‌باشد و تنها مانع متصور، اصل مؤمن است که علی‌الفرض در مانحن فیه وجود ندارد. در نتیجه در مانحن فیه تفاوتی میان وجوب موافقت قطعی و حرمت مخالفت قطعی وجود ندارد، پس این بیان در اثبات تخییر بدوی تمام نیست.

بیان دوم در اثبات تخییر بدوی

در این بیان گفته شده است که امتثال قطعی دو علم اجمالی دوم و سوم ممکن نیست هرچند هر یک به تنهایی قابل امتثال است، و وقتی بین دو امتثال نتوانیم جمع کنیم لامحاله از امتثال قطعی به امتثال احتمالی تنزل خواهیم کرد و امتثال احتمالی با تخییر بدوی محقق می‌شود نه تخییر استمراری و این مقتضای احتیاط در عمل به هر دو علم اجمالی می‌باشد.

نقد و بررسی بیان دوم

این بیان نیز ناتمام است؛ زیرا گرچه علم اجمالی مقتضای احتیاط است و در صورت عدم امکان موافقت قطعی باید موافقت احتمالی کرد و مخالفت قطعی جایز نیست، اما سابقاً بیان کردیم چنین احتیاطی در موردی است که همراه مخالفت قطعی موافقت قطعی محقق نشود، وگرنه عقل حکم به لزوم موافقت احتمالی ندارد. لذا تفاوتی میان تخییر استمراری و بدوی نخواهد بود و مکلف در انتخاب آزاد خواهد بود.

تعدد واقعه با فرض رجحان در یک طرف

آنچه در مورد علم اجمالی در صورت تعدد واقعه بیان کردیم مربوط به مواردی بود که دو طرف، توصلی و هم‌سنگ می‌باشند، اما اگر یکی از دو علم اجمالی دارای اهمیت باشد (احتمالاً یا محتملاً) فرضاً ملاک حرمت نماز در حال حیض شدیدتر از ملاک ترک نماز در حال استحاضه باشد آیا همچنان به تخییر استمراری قائل خواهیم شد؟

طبق آنچه تاکنون مشی کردیم این دو علم اجمالی فاقد اثر است و لذا هیچ‌گونه منجزیتی نخواهد آورد و در نتیجه تخییر عقلی حاکم خواهد بود و در خصوص اهمیت یک طرف و لزوم رعایت یک طرف می‌توانیم برائت جاری کنیم. آری، اگر کسی قائل به جریان برائت نقلی و عقلی نشود، از آنجا که احتمال بدون مؤمن منجز است باید جانب طرفی که احتمال اهمیت آن داده می‌شود رعایت گردد.

تعدد واقعه و تعدد بودن یک طرف یا دو طرف

در این حالت نیز از حیث هریک از دو واقعه به تنهایی همان مطالبی که در وحدت واقعه ذکر شد جاری است. در حقیقت از آنجا که موافقت قطعی ممکن نیست احتیاط تام معنا ندارد و مخالفت قطعی نیز ممکن نیست. و از حیث علم اجمالی دوم و سوم نیز تفاوتی با طرفین توصلی ندارد و این دو علم اجمالی بی‌تأثیر خواهد بود.

تَمَّه

از ظاهر فرمایش جناب شیخ چنین برمی آید که یکی از مصادیق دوران امر بین محذورین در نظر ایشان آن است که نسبت به چیزی احتمال جزئیت یا شرطیت و نیز احتمال مانعیت داده شود. مثلاً اگر کسی در نماز شک کند «آمین گفتن بعد از حمد» شرط است یا مانع است و نتواند تحقیق کند، طبق بیان شیخ این مسئله از مصادیق دوران امر بین وجوب و حرمت است.

به نظر ما ممکن است این مسئله در برخی موارد از مصادیق دوران امر بین محذورین قرار گیرد؛ مثلاً وقت نماز تنگ شده باشد و فرصت تکرار نماز نباشد یا مکلف وسط نماز دچار این مسئله شود و قدرت تحقیق نداشته باشد و اتمام نماز واجب باشد، اما نباید گمان شود که به صورت مطلق این مسئله از مصادیق دوران بین محذورین است؛ زیرا قوام دوران امر بین محذورین آن است که امکان احتیاط و موافقت قطعیه وجود نداشته باشد و در مثال مذکور چنین چیزی امکان دارد؛ زیرا مکلف می تواند رجاء یکبار نماز را با آمین بخواند و یکبار بدون آمین بخواند، مگر آنکه کسی قائل شود حتی گفتن آمین رجاء هم می تواند مانع باشد.

مقرر: سید حامد طاهری